



امکان رفع تعارضات علم و دین با تکیه بر نظریه علامه جوادی آملی

کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، اثر آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی مبنایی مناسب برای رفع تعارضات علم و دین و ارائه‌دهنده الگویی از چارچوب معرفت دینی است که می‌تواند در جریان سامان‌دادن به نسبت علوم و به خصوص علوم انسانی و دین در جامعه ما مفید و مؤثر باشد.

کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»، اثر آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی مبنایی مناسب برای رفع تعارضات علم و دین و ارائه‌دهنده الگویی از چارچوب معرفت دینی است که می‌تواند در جریان سامان‌دادن به نسبت علوم و به خصوص علوم انسانی و دین در جامعه ما مفید و مؤثر باشد.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا مصطفی‌پور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در مورد فرصت‌هایی که آثار علامه جوادی آملی پیش روی دانشگاه‌ها قرار می‌دهد و امکان رفع خلأ در منابع دانشگاهی با توجه به آثار ایشان، گفت: آیت‌الله جوادی آملی آثار متنوع و فراوانی دارند که از هر کدام را می‌توان در جای خود و به نوبه خود در رشته‌های مختلف استفاده کرد، اما آن چه از آثار ایشان بیشتر از هر چیز قابل استفاده است، مباحثی است که در سطح مبانی، در رشته‌ها و سرفصل‌های مختلف می‌تواند مطرح شود.

استفاده از اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی در مبانی رشته‌های درسی

مصطفی‌پور ضمن اشاره به حوزه حقوق بین‌الملل، گفت: برای مثال اگر بخواهیم در این زمینه کاری انجام دهیم، باید بدانیم که اساس کار به انسان‌شناسی مرتبط است و در وهله اول باید مبانی خود را مشخص کنیم. در اینجا ما باید به چند پرسش اصلی و اساسی پاسخ بگوییم. یکی از این پرسش‌ها این است که آیا ما انسان را موجودی مادی و حیوانی تکامل‌یافته مانند حیوانات دیگر می‌دانیم که مهم‌ترین تفاوت آن در هوش فراگیرتر آن است یا این که علاوه بر جنبه مادی، بعد دیگری با عنوان روح نیز برای انسان قائلیم و همان هوش را نیز به آن بازمی‌گردانیم.

وی ادامه داد: بعد از این پرسش مهمی دیگری که وجود دارد این است که آیا انسان‌ها دارای طبیعت مشترک هستند یا هر انسانی برای خود طبیعتی مستقل است؛ چرا که برای مثال اگرستانسیالیست‌ها می‌گویند که هر انسانی برای خود مستقل و فرد است؛ و این یکی از آن مسائلی است که ما باید پاسخ آن را مشخص کنیم. در مرحله سوم نیز باید به این نتیجه برسیم که طبیعت انسان‌ها بر خیر است و یا بر شر و انسان‌ها دارای طبیعت خیر هستند یا شر طبیعت مشترک انسان‌هاست. مسئله دیگری که در این جا قابل طرح است این است که انسان‌ها آیا قادر بر تعیین سرنوشت خود هستند یا نیستند و آیا اراده و اختیار انسان می‌تواند چه در درون خود او و چه در محیط طبیعی و اجتماعی‌اش تأثیرگذار باشد و تغییری ایجاد کند یا نه.

آیت‌الله جوادی آملی آثار متنوع و فراوانی دارند که از هر کدام در جای خود و به نوبه خود می‌توان در رشته‌های مختلف استفاده کرد، اما آن چه از آثار ایشان بیشتر از هر چیز قابل استفاده است، مباحثی است که در سطح مبانی، در رشته‌ها و سرفصل‌های مختلف می‌تواند مطرح شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی با اشاره به این که این مبانی انسان‌شناختی نیز به نوبه خود ریشه در مبانی خداشناختی دارد، عنوان کرد: اگر ما بتوانیم این مبانی را در مباحث حقوق، در اخلاق، در سیاست، در تعلیم و تربیت و مباحثی که به این حوزه‌ها ارتباط پیدا می‌کند استخراج کنیم، می‌توانیم استفاده مورد نظر را از آثار آیت‌الله جوادی آملی و به منظور رفع نیازها و جبران کمبودها و خلأهای رشته‌ها و سرفصل‌های دانشگاهی ببریم.

باید همیشه واقعیت‌ها را در نظر گرفت

مصطفی‌پور با تأکید بر این نکته که البته باید همیشه واقعیت‌ها را در نظر گرفت، عنوان کرد: پیغمبر ما فرموده است که شما فرزند خود را که می‌خواهید تربیت کنید سه مرحله دارد؛ در مرحله اول فرزند امیر است، در مرحله دوم که دوره خوپذیری اوست باید فرمان برد و دستورهای را اجرا کند و در نهایت هم باید به جایی برسیم که انسان مستقل شود و بتواند کارهای خود را به صورت مستقل انجام دهد. این در واقع نشان می‌دهد که با این که انسان‌ها دارای طبیعت مستقل و واحدی هستند اما چه به لحاظ سنی چه به لحاظ اجتماعی و ... موقعیت‌های مختلفی دارند. این‌ها را ما باید اجمالاً در نظر بگیریم. آن چه آموزه‌های دین برای ما مطرح می‌کنند نیز می‌تواند به شکلی برای ما تبیین کند که در این گونه موارد چگونه باید عمل کنیم.

این همکار پژوهشگاه بین‌المللی علوم وحیانی معارج در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به قول آیت‌الله جوادی آملی با عنوان هماهنگی برهان و قرآن و عرفان، بیان کرد: این بحث مبانی خاصی دارد که این مبانی معنای وحدت و هماهنگی را هم توضیح می‌دهد. در اینجا مقصود از برهان استدلالی است که مقدماتی یقینی و نتیجه‌ای یقینی دارد و در واقع آن چه که با چنین استدلالی به دست بیاید و صد در صد یقینی باشد فلسفه است و کار فیلسوف رسیدن به چنین موارد صد در صد یقینی است.

وی ادامه داد: اما ما لفظ «برهان» را استفاده می‌کنیم و نمی‌گوئیم فلسفه با عرفان هماهنگ است، بلکه می‌گوئیم که استدلالی که شرایط برهانی بودن را داشته باشد و عارفی که واقعاً تلاش‌های عرفانی و سلوکی داشته و حقیقت را آن‌گونه که بوده شهود کرده است، آن چه آن استدلال و این شهود بیان می‌کنند اگر به قرآن یا روایات عرضه کنیم، این‌ها با قرآن و روایات هماهنگ هستند. لذا علامه جوادی آملی، مخصوصاً در جلد 9 رَحِیق که شرح جلد دوم اسفار است، این بحث‌ها را مطرح کرده است که مثلاً اگر ما صحبت از وحدت وجود می‌کنیم هم فلسفه می‌تواند این را اثبات کند هم عارف می‌تواند آن وحدت وجود را شهود کند و هم قرآن و روایات ما این وحدت وجود را می‌پذیرد.

این مدرس دانشگاه افزود: البته در عرفان هم ممکن است که بعضی از افراد در شهودات خود دچار خطا شوند و ممکن است من الان نظریه‌ای علمی داشته باشم که با قرآن هماهنگ نباشد و هم اینکه بعد از چندی يك نظریه جدید بیاید و آن را نقض کند. در آن جا هم ما همین حرف را داریم و می‌گوئیم که در واقع یافته‌های علمی و مطالبی که قرآن مطرح می‌کند باید هماهنگ باشند و اگر در جایی دیدیم که علم با قرآن نمی‌سازد نباید هیچ کدام را متهم کنیم، بلکه باید بگوئیم که این برداشتی است که من دارم و نظریه‌ای است که امروز مطرح شده و ممکن است این نظریه فردا عوض شود و برداشت من هم ممکن است فردا تغییر کند؛ هر چند ما قائلیم که این برداشت‌ها هم ضابطه‌مند و روشمند هستند و بدون ضابطه‌مندی و روشمندی کسی حق برداشت از متون دینی را هم ندارد.

«منزلت عقل در هندسه معرفت دینی»؛ مبنایی مناسب برای رفع تعارضات علم و دین

مصطفی‌پور در ادامه با اشاره به کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» اثر آیت‌الله جوادی آملی این کتاب را مبنایی مناسب برای رفع تعارضات علم و دین و ارائه دهنده الگویی از چارچوب معرفت دینی خواند که می‌تواند در جریان سامان دادن به نسبت علوم و به خصوص علوم انسانی و دین در جامعه ما مفید و مؤثر باشد.

وی اظهار کرد: بر اساس مباحث آیت‌الله جوادی آملی در این کتاب، مقصود از عقل صرفاً عقل فلسفی و برهانی نیست، بلکه ما چهار نوع عقل داریم؛ عقل تجربی، عقل نیمه تجربی و نیمه تجریدی، عقل تجریدی و عقل ناب. در مورد مصداق آن‌ها نیز، عقل تجربی آن عقلی است که با علوم تجربی کار دارد، عقل نیمه تجریدی با ریاضیات سر و کار دارد، عقل تجریدی محض به فلسفه می‌پردازد و عقل ناب هم با عرفان و شهود یا وحی مرتبط می‌شود. ما اگر عقل را به این صورت ببینیم و از سوی دیگر دین را نیز در چارچوب اراده الهی تعریف کنیم و بر این سبیل برویم که خدا دو نوع اراده دارد، یکی تکوینی که در خلقت عالم ظهور کرده و دیگری تشریعی که در قالب وحی در اختیار ما قرار گرفته است، و نمی‌توان این دو اراده الهی را با هم ناهماهنگ دانست، در این صورت کشف قوانین با عقل تجربی نیز می‌تواند از جایگاه کاشفیت از اراده الهی برخوردار باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی افزود: این تئوری‌ای است که در کتاب «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» مطرح شده و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و به نحوی مناسب بسیاری از مسائل ما را، با رفع ناهماهنگی‌ها مرتفع سازد.